

سفره کامو به هیچ بافته‌ای شباهت ندارد

## نقش خورده از حسی زنانه

زمان مهدی‌زاده

پیش از اینکه شناخته شود در تمام تار و پودش خویی از آزادگی و زندگی نقش می‌بست. شاید دو دهه پیش بود، شاید هم پیش‌تر. دلالان رد کامو را زدند و پس از آن هم هر چه تلاش کرد دیگر نتوانست آزادگی‌اش را به رخ بکشد. شد شبیه یکی از همین‌هایی که شهری شده‌اند.

بافندگان سفره‌های کامو پیش از کشف آن، زنانی متکی به نفس بودند و در بیان احساسشان از هیچ اصولی پیروی نمی‌کردند. آزادانه نقش می‌زدند و آنچه دوست داشت به تصویر می‌کشیدند. پس از کشف سفره‌های کامو، خوی سرکش این زنان سرکوب شد و با آزادی‌هایشان وداع گفتند. فرمانداری جزی از ویژگی‌هایشان شد. گرچه دلالان همگی طرح‌های نامنظم سفره‌های کامو را از ویژگی‌های مطلوب آن دانستند و خواست آنها از بافنده این بود که به اجرای چنین طرح‌هایی متعهد باقی بماند، اما این سفره‌ها موفقیتی پیدا نکرد چرا که نقش سفره‌های اصیل متحرک، وحشی و جاندار بودند. ولی سفره‌های جدید با تمام شباهت در متن از حال رفته و بی‌رمق و به عبارت دیگر اهلی و شهری شده‌اند.

سفره کامویی به هیچ یک از بافته‌های دیگر شباهت ندارد. نخستین بار، حدود دو دهه پیش این بافته‌ها به نام سفره‌های ورامینی به بازار آمد. ولی در زمان کوتاهی سرچشمه آنها کشف شد؛ روستایی به نام کامو از بخش میمه، شهرستان کاشان بنا شده بر دامنه کوه کرکس.

### آمیزه شعرگونه احساس و بافت

در میان روستا، نه‌ری باریک جاری است که آن را کپرکن می‌نامند. دو سوی این رود، خانه‌های خشتی و گلی روستاییان رج کشیده‌اند و کپرکن خود، در سایه‌سار درختان بید و تبریزی که دو سویش قد افراشته‌اند، آرامیده است.

قلعه میرزا خان از بناهای معروف این روستا است. سکنه روستای کامو اطلاعاتی از تاریخ قلعه و ساخت آن ندارند و آنچه از نقش‌های شکل گرفته بر دیواره قلعه بر می‌آید این اثر تاریخی در قرن ۱۸ میلادی بنا شده است. در کامو نظم و بی‌نظمی در هم تنیده شده‌است. خانه‌ها براساس نظم طبیعی تپه‌های ماهور، گاه کنار هم و گاه با فاصله به چشم می‌آید. در فاصله میان خانه‌ها زمین‌ها سیفی کاری شده و جوی‌های پر آبی میان‌شان جاری است. در روستای کامو ۷۰۰ خانوار زندگی می‌کنند و عمده محصولشان غله، میوه و لبنیات است. روستای کامو در دامنه‌های مرتفع کوه همیشه سپید پوش کرکس شکل گرفته است. از این رو زمستانی سرد دارد و تابستانی معتدل.

بافته‌های کامو به‌رغم نوع مصرف، اندازه و حتی ساختاری متفاوت با گبه، شباهتی بی‌بدیل به آن دارد؛ سرچشمه این شباهت را می‌توان بی‌شک تفکر ذهنی بافنده‌ها دانست. در هر دوی اینها، بافنده ضمن پیروی از سنت، خود را اسیر آن نکرده و به ابراز وجود پرداخته، چنان‌که به حاشیه متن و نگاره چون دست‌ورالعملی کلی می‌نگرد. بافنده این دو گروه، اندیشه‌ای آزاد به کار برده و



هراسی در کاستی یا فزونی بافته به دل راه نداده است. شاید که دلیل این امر کاربرد گبه و سفره‌های کامو باشد. اینها تنها برای مصرف خانواده بافته می‌شوند و عشایر نگاه بهره‌برداری اقتصادی به آن ندارند.

کامو تنها هنگام پخت نان یا صرف غذا گسترده می‌شود و همیشه نقش آن پوشیده از آرد و چانه‌های خمیر است. وجه مشترک سفره‌های کامو و گبه‌های فارس و بختیاری نیز بیان احساس است. در این بافته‌ها، بافته در انتقال احساسش چنان موفق بوده که بیش از آنکه بتوانیم این بافته‌ها را صنایع دستی بنامیم، آمیزه شعرگونه احساس و بافت، آنها را به شاخه هنر نزدیک‌تر می‌کند.

مردم کامو جز سفره، بافته دیگری ندارند. سفره‌های کامو نیز تار و پودی از گلیم دارند، ولی حتی یک کف‌پوش گلیم باف در روستای کامو یافت نمی‌شود. کف‌پوش منازل کامویی‌ها فرش‌های گره باف است با طرح کاشی و جوشقانی. هیچ ارتباطی میان سفره‌های کامو با این فرش‌ها وجود ندارد.

### سفره کامو بستر آرد و نان

حدود ۳۰ سال پیش کتابی به نام فرهنگ جغرافیای ایران تدوین شد. در این کتاب از صنایع دستی کامو نیز یاد و چادر شب‌ها و کرباس‌های بافت این روستا معرفی شده است. اما در آن هیچ نشانی از سفره‌های کامو نیست. این چادر شب‌ها و کرباس‌ها نیز شباهتی به سفره‌های کامویی ندارند. هر خانواده کامویی دو سفره دارد، یکی از آن خمیر و دیگری برای نان. زن کامویی سفره خمیر را زیر سینی یا مجمعه‌ای که آرد روی آن خمیر می‌کند، می‌گستراند. این سفره از ریخت و پاش آرد هنگام تهیه خمیر و ورز دادن نان جلوگیری می‌کند. پس از تهیه خمیر نیز این سفره را رویش می‌کشند تا خمیر «ور» آید. خمیرهای چانه شده روی سفره آرد جا خوش می‌کنند تا با وردنه پهن و نازک شوند و با دستان زن خانه به دیوار داغ تنور بچسبند. نان طبع می‌شود. آن را از تنور بیرون می‌آورند و روی سفره نان می‌اندازند تا سرد شود. سپس نان‌های آماده، دسته شده در میان سفره نان چیده می‌شود. چهار گوشه سفره چون بقچه‌ای نان‌ها را در آغوش می‌گیرد.

زن روستایی از ابتدا این دو سفره را با اینتی متفاوت نقش می‌زند، چرا که سفره آرد پس از مدتی زیر گرده‌های آرد پنهان می‌ماند و تبدیل به بافته‌ای سفید و یک دست می‌شود. هرچند این سفره‌ها همگی ظاهری مستطیل یا مربع شکل و ابعادی یکسان دارند.

### بی‌نقشی؛ اعتراضی خاموش

نزدیکی کامو، روستای گمنام دیگری به نام «موته» وجود دارد. موته‌ای‌ها نیز مانند کامویی‌ها محصولی خاص خود دارند. وجه مشترک گلیم‌های موته در آزادی رنگ و اندیشه به سفره‌های کامو بی‌بدیل است. از این رو می‌توان به ارتباط این دو روستا در گذشته پی برد.

برخی نگاره‌های «S» شکل و یا گلبرگ‌های شش پر در سفره‌ها، از نظر شکل و ساختار به گلیم‌های موته شباهت دارد. این امر دلیلی شده تا این دو روستا را سرچشمه اصلی بافته‌های بخش میمه بدانند. این روستاها در بافندگی، مکتبی ویژه را به نمایش گذاشته‌اند.

طرح و ترکیب بندی سفره‌های کامو را به سه گروه تقسیم می‌کنند؛ سفره‌های کف ساده، سفره‌های ترنج‌دار و سفره‌های

نقش آزاد. نقش میان تهی اساس هر سفره‌ای را تشکیل می‌دهد. این گونه سفره در فرهنگ ایرانی معنایی عمیق و صوفیانه دارد. بی‌نقشی این سفره‌ها در تقابل با سفره‌های رنگین و نقش‌دار، گویی اعتراضی خاموش است و نمادی از تواضع و فقر. البته سفره‌های میان تهی کامو با این نمونه تفاوتی ژرف دارند. اغلب سفره‌های میان تهی یا کف ساده کامویی سادگی معمول و همیشگی را ندارند بلکه بافته یک هست و نیست را در رنگ و نقش، جایگزین میان تهی این سفره‌ها کرده است. بافته کامویی در زمینه سفره‌ها چند رنگ را جایگزین رنگی واحد و البته بر بی‌نقشی همچنان پافشاری کرده است. در این بافته‌ها به جای یک رنگ، دو یا چند رنگ همچون پهنه‌هایی از پارچه، کنار هم قرار گرفته‌اند، چیزی شبیه تک‌دوزی پارچه‌های مختلف کنار هم. برخی لحاف‌های کامو که از تکه‌دوزی شکل گرفته بی‌شباهت به زمینه این سفره‌ها نیست. «برش بافی» در میان عشایر رایج است و طرفداران بسیار دارد. در این نوع بافت، مایه‌های سیر و روشن یک رنگ را کنار هم به کار می‌برند.

دیگر سفره‌های میان تهی کامو نیز یکدست است. ولی در میان آن نواری پرنقش آمده است. نقش گلبرگ شش پر بیشترین نقش را در سفره‌های میان تهی به خود اختصاص می‌دهد، گرچه نقش‌های دیگری نیز در این سفره‌ها وجود دارد.

### اندیشه، حاشیه‌ها را رنگ می‌زند

اندیشه ترنج در برخی بافته‌های کامو بسیار به چشم می‌آید. در برخی از این بافته‌ها نقش ترنج به شکل کامل و با دقت کار و در برخی دیگر تنها به بدنه اصلی ترنج اکتفا شده است. تناسب ترنج در سفره‌های کامو بسیار متنوع است. برخی از حجم به حاشیه و برخی به نهایت کوچکی خود رسیده‌اند.

در روستای کامو بافته‌های دیگری نیز وجود دارد که گوناگونی سفره‌ها را به رخ می‌کشند. اما این گوناگونی‌ها در گروهی ویژه قرار نمی‌گیرند، هرچند در دسته‌بندی‌های پیشین نقش‌های سفره‌های کامو نیز جایی ندارند. برخی از این سفره‌ها دارای نقش‌های شبیه گبه‌های فارس و بختیاری هستند.

نوعی از بافت به نام «خانه درهم» نیز وجود دارد که متعلق به گبه بوده و در سفره و گلیم جایی ندارد. اگر بافته سفره‌های خانه در هم به گبه‌های فارسی این نقش دسترسی نداشته باشد، می‌توان به جرات گفت که اندیشه خود را از لحاف‌های تکه دوزی شده گرفته است.

بی‌شک خلاقه‌ترین بخش از سفره کامو، حاشیه آن است. در همین حاشیه، بافته به ابراز وجود پرداخته و با کم و بیش در هم زدن رنگ‌ها، سفره خویش را متفاوت با دیگر سفره‌ها می‌بافد. در حاشیه هر سفره کامو، شخصیت نهفته بافته به خوبی دیده می‌شود. همین دلیلی است بر اینکه تعداد سفره‌های بی‌حاشیه کامو بسیار ناچیز باشد.

### سفره‌های پلاستیکی به جای بافته‌های کامویی

در حال حاضر کامویی‌ها به جای سفره‌های کامو از قطعات پارچه و پلاستیک استفاده می‌کنند. احداث جاده ماشین‌رو در دهه گذشته، پای فرهنگ شهری را به روستای کامو باز کرد و رنگ را از سفره‌های کامو ربود. با گشتی کوتاه در روستای کامو درمی‌یابیم تعداد سفره‌های کامویی اصیل باقی مانده در روستا به کمتر از ۲۰۰ پارچه می‌رسد.